

درباره مسعود کشمیری قاتل شهیدان رجایی و باهنر

خلاصه بیوگرافی مسعود کشمیری، عامل بمب گذاری در دفتر نخست‌وزیری و شهادت محمدعلی رجایی رئیس‌جمهور و محمدجواد باهنر نخست‌وزیر، در کتاب خاطرات حجت‌الاسلام ری شهری به شرح ذیل می‌باشد:

مسعود کشمیری فرزند سعید با شماره شناسنامه ۴۰۱ متولد ۱۳۲۹ از کرمانشاه دارای مدرک لیسانس علوم اداری و مدیریت بازرگانی از دانشگاه تهران بود که از تاریخ ۲۳/۵/۵۱ تا اواخر سال ۱۳۵۳ با قراردادهای ۶ ماهه به‌عنوان کارآموز در وزارت کار و امور اجتماعی شاغل بوده است. وی قبل از پیروزی انقلاب در یک شرکت خارجی (انگلیسی) کار می‌کرد و با پیروزی انقلاب و بازگشت خارجی‌ان به کشورشان، شرکت مذکور منحل گردید و بنا بر اظهارات خودش پس از پیروزی انقلاب در جهاد سازندگی کار می‌کرده است. وی قبل از انقلاب توسط سپردایی خود معدوم ابوالفضل دلنواز (برادر همسرش) جذب منافقین شد. ابتدا در بحث‌های خانوادگی از منافقین حمایت می‌کرد، لیکن به مرور زمان چهره‌ای حزب‌اللهی و حمایت از نظام را یافت. وی مدتی در نیروی هوایی شاغل می‌شود و تا دبیر شورای امنیت ملی ارتقای شغلی پیدا می‌کند. بعد از انفجار دفتر نخست‌وزیری از بازرسی از منزل مسعود در شهرستان کرج مقادیر زیادی سلاح، مهمات و اسناد طبقه‌بندی شده کشف شد. پدر مسعود بازنشسته شرکت نفت بود که در سال ۱۳۷۷ به علت سرطان در انگلیس فوت و دفن شد.

سرهنگ مهدی کتیبه از اعضای حاضر در جلسه شورای امنیت که جان سالم به در برده است، درباره کشمیری می‌گوید:

در اواخر سال ۵۷ از طرف نخست‌وزیری عده‌ای را برای حفظ اسناد و مدارک سری و طبقه‌بندی شده در ارتش مأمور کردند. از جمله این افراد آقای کشمیری بود که با دستخط رسمی رئیس دفتر نخست‌وزیر وقت یعنی مهندس بازرگان به ارتش معرفی شده بود تا حفاظت از اسناد و مدارک نیروی هوایی را برعهده گیرد. رئیس دفتر نخست‌وزیر آقای بازرگان، شخصی بود به نام آقای خلیلی، بدین ترتیب کشمیری به کلیه اسناد سری و طبقه‌بندی شده نیروی هوایی، ضد اطلاعات و حفاظت اطلاعات دسترسی پیدا می‌کند. ایشان تا کمی قبل از انفجار دفتر نخست‌وزیری در نیروی هوایی بود و با آقای محمد رجبی و داداشی که آنها هم از نخست‌وزیری معرفی‌نامه داشتند در ستاد مشترک فعالیت اطلاعاتی و ضد اطلاعاتی انجام می‌دادند. کشمیری به این صورت وارد تشکیلات نظامی گردید و بعد از مدتی کارش را در نیروی هوایی رها کرد و به شورای امنیت آمد. او قیافه حق به جانی داشت؛ ریش محرابی، قشنگ و صورت سرخ و سفید و موجه که هر کس ایشان را می‌دید، فکر می‌کرد حتی نماز شبش نیز ترک نمی‌شود.



قاتل منافق

بدون گزینش

از اولین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی، نفوذ گسترده سازمان مجاهدین خلق در نهادهای قضایی، نظامی و امنیتی آغاز شد و سپاه پاسداران، ارتش، کمیته‌های انقلاب اسلامی و دادستانی انقلاب، هدف نفوذ عناصر خاکستری و بی‌نام و نشان این سازمان قرار گرفتند. در این میان، اداره دوم ارتش به عنوان تنها نهاد امنیتی به‌جامانده از رژیم سابق که منحل نشده بود، توسط حلقه‌ی نخست بخش اطلاعاتی سازمان مجاهدین خلق مورد هدف قرار گرفت و چند عضو سازمان مجاهدین خلق از جمله جواد قدیری دانشجوی دانشگاه صنعتی و مسعود کشمیری که پیش از انقلاب به سازمان مجاهدین خلق گرایش داشت، در کمیته‌ی مستقر در اداره دوم ارتش نفوذ کردند. یک سال بعد و پس از شکست کودتای نوژه، مسعود کشمیری در ارکان اصلی ستاد خنثی‌سازی کودتا قرار گرفت و با تأسیس دفتر اطلاعات نخست‌وزیری و انتصاب خسرو تهرانی به ریاست این دفتر، کشمیری در فرایندی مشکوک وارد این دفتر شد و بدون اینکه حتی یک برگ فرم گزینش ارائه کند، به عنوان دبیری شورای امنیت کشور رسید و در جریان سری‌ترین وقایع کشور در تابستان پرماجرایی سال ۱۳۶۰ قرار گرفت.

”

بعد از اینکه از زندان آزاد شدم، روزی به منزل عباس تاجیک رفتم و جریان را گفتم و متوجه شدم که به اطلاعات جلوی در گفته بودند که کشمیری را بازرسی نکنند

“

چرا کشمیری بازرسی نمی‌شد؟

ناصر زلفی که خود از همکاران مسعود کشمیری بود و به همین دلیل مدتی بازداشت شد، در بازجویی‌هایش درباره‌ی رفت و آمدهای مسعود کشمیری می‌گوید: «زمانی که در نخست‌وزیری کار می‌کردم، یک بار موقع ظهر داشتم به نمازخانه میرفتم که کشمیری خائن را دیدم که از در اصلی با کیفش وارد ساختمان شد. احتمالاً اواخر مرداد ماه بود. او با مأموران اطلاعات سلام و علیک کرد و از پله‌ها بالا رفت و مأموران اطلاعات حتی او را بازرسی بدن نمی‌کردند چه برسد به بازرسی کیفش. یک بار هم در اوایل شهریور یعنی روزهای دوم و سوم بود که باز داشتم برای نماز میرفتم که کشمیری با کیف وارد ساختمان شد و باز هم مورد بازدید قرار نگرفت، درحالی‌که مأموران اطلاعات، همه افراد و کیف‌هاشان را بازرسی می‌کردند، ولی کشمیری بازرسی نمی‌شد. بعد از اینکه از زندان آزاد شدم، روزی به منزل عباس تاجیک رفتم و جریان را گفتم و متوجه شدم که به اطلاعات جلوی در گفته بودند که کشمیری را بازرسی نکنند».